

گفتگو با آیدا آسمند

من برای هنرم و کارم خیلی جنگیدم

می‌گویند، در هنر نانی نیست، راه کسب درآمد از آن را بلد نیستند. من برای خودم، هنرم و کارم خیلی تلاش کردم و جنگیدم. الان وقتی خودم را با هم سن و سالانم مقایسه می‌کنم می‌بینم چقدر دنیایم با آن‌ها متفاوت است. اکثر آن‌ها به این فکر می‌کنند که مدل ناخن‌شان چطور باشد یا اینکه چه بپوشند، در حالی که دغدغه من این است چطور در کارم پیشرفت کنم تا بتوانم طرح‌های بهتری بکشم و هنرجویان بیشتری جذب کنم.



**چه مشکلاتی در زمینه کاری خودتان دارید؟**  
اجازه تدریس خصوصی به افراد زیر ۲۷ سال رانمی‌دهند و این بزرگترین و تنها مشکل ماست. برای آموزش خصوصی به طور جداگانه می‌گویند یا باید بالای ۲۷ سال سن داشته باشی یا متأهل باشی که خب من هیچ‌یک از این شرایط را ندارم. جالب اینجاست که مسئولان یکی از شهرها وقتی تقاضای مجوز کردم گفتند تنها کاری که می‌توانی انجام دهی این است که تعهد بدهی و امضاء کنی که تا شش ماه دیگر متأهل می‌شوی، این طور ما می‌توانیم به تو کلاس بدهیم! از همین روست که من در آموزشگاه باران و در کنار خانم نصیری کار تدریس هنرجویان را انجام می‌دهم و نمی‌توانم مکانی مستقر برای خودم داشته باشم. تنها توقعی که از مسئولان دارم هم همین است، اجازه دهند در مکانی مستقر کار تدریس را انجام دهم.

**خطراتی هم در زمینه کاری‌تان دارید؟**  
سال ۱۴۰۰ در استهبان، بالای یک پارچه‌فروشی کار تدریس نقاشی را انجام می‌دادم. ساعت ۶ صبح دیدم گوشه‌ام زنگ می‌خورد و جواب که دادم، دیدم آقای پارچه‌فروش است او گفت: خانم آسمند، چه نشسته‌ای که هنرجویانت دیروز شیر روشویی را باز گذاشته‌اند و آب همه جا را برداشته و همه چیز به گند کشیده شده. سراسیمه به آنجا رفتم و چشمانم روز بد نبیند، دیدم همه کارگاه نقاشی و البته پارچه‌فروشی را آب برداشته و همه‌ی پارچه‌ها رنگ داده. پارچه سفید، آبی شده بود و پارچه‌ی آبی، هفت‌رنگ! بدترین چیز ممکن پیش آمده بود!  
فقط برایم جای تعجب داشت که آقای پارچه‌فروش که البته زیاد آدم آرامی هم نبود، چرا آن روز چیزی نگفت و دعوا به راه نیفتاد.  
البته گرفتن تولد غافلگیرکننده‌ام در ۱۶ سالگی توسط هنرجویانم و مادرانشان هم از خاطرات شیرینی است که فراموش نمی‌کنم.

**آیا تا به حال نمایشگاهی هم برگزار کرده‌اید؟**  
بله، در دیماه سال گذشته نمایشگاهی از آثار مدادرنگ و سیاه‌قلم هنرجویانم در نگارخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد که در شبکه استان فارس نیز پخش شد.  
**نگاه مردم به شما از دید یک هنرمند چگونه است؟**  
رفتارشان احترام‌آمیز است و دید خوبی دارند ولی اکثر مردم هنر را کاری سطحی و به دید سرگرمی نگاه می‌کنند، در صورتی که اصلاً این چنین نیست. هنر غذای روح است و نمی‌شود آن را اوصاف کرد.  
**هنر بهتر است یا ثروت؟**  
من فکر می‌کنم اگر هنر داشته باشی و راه استفاده از آن را بلد باشی، می‌توانی با آن به ثروت هم برسی. کسانی که

**پس طبیعتاً از این حرفه کسب در آمد هم دارید؟**  
صدالبته و از درآمد آن هم خیلی راضی‌ام. برگزاری کلاس‌ها و انجام دادن کارهای سفارشی درآمد خوبی دارد. خدا را شکر هیچوقت از انتخاب این رشته ناراضی نبوده‌ام، هر چند که با معدل بیست شاید حتی می‌توانستم در رشته پزشکی نیز قبول شوم و با مخالفت خانواده این رشته را انتخاب کردم.  
**از نظر شما هنر چه رنگی است؟**  
هنر و رنگ آن قابل توصیف نیست. از نظر من هر شاخه و گوشه‌ی آن، رنگ خاص خود را دارد و نمی‌توان آن را در یک رنگ تشخیص داد.  
**بهترین طرحی که تا به حال کشیده‌اید چه بوده؟**  
شاید تا به حال بیش از ۵۰۰-۴۰۰ طرح کار کرده باشم اما فکر می‌کنم عکس عمومی شهیدم از بقیه‌ی طرح‌ها متفاوت تر بود، چون آن را با عشقی خاص کشیدم.

فاطمه زردشتی نی‌ریزی، نی‌ریزان فارسی:  
با معدل بیست دیپلمش را گرفت و همین دلیلی بود برای پافشاری خانواده‌اش به انتخاب رشته تجربی و پزشکی و خانم دکتر شدن...  
اما او هنر را انتخاب کرد، گرافیک و نقاشی را، چیزی که به آن عشق می‌ورزید...  
شبهه برخی از جوانان امروزی حرف نمی‌زند، پخته و آرام است. از نقاشی و هنر که حرف می‌زند، چشمانش برقی عجیب دارد و رضایتی در چهره‌اش موج می‌زند.  
آیدا آسمند ۲۱ سال دارد و شاید بتوان او را کم‌سن و سال‌ترین مربی نقاشی حال حاضر نی‌ریز نامید. کسی که از ۹ سالگی کشیدن نقاشی و از ۱۶ سالگی کار تدریس نقاشی را شروع کرده و به این کار عشق می‌ورزد...

**چه شد که به نقاشی علاقه‌مند شدید؟**  
از همان بچگی نقاشی را دوست داشتم و چون ساکن آباده‌شک بودیم و در آنجا کلاسی برگزار نمی‌شد، خودم سعی کردم به طور خودآموز نقاشی حرفه‌ای را یاد بگیرم. وسایل سیاه‌قلم را تهیه کردم و از ۹ سالگی شروع کردم به کشیدن طرح‌های سیاه‌قلم. برای این کار از کسی کمک نگرفتم، یعنی کسی نبود که از او کمک بگیرم. طرح‌ها را می‌کشیدم و حس می‌کردم طرح‌های بعدی از قبلی بهتر می‌شود. ده ساله بودم که اولین سفارش کارم را گرفتم. آقای نی‌ریزی بود که عکس بچه‌اش را آورده بود تا بکشم که این موضوع خیلی مرا خوشحال کرد و به من انگیزه داد.

**در چه تکنیک‌هایی از نقاشی فعالیت دارید؟**  
مدادرنگی، نقاشی کودک و سیاه‌قلم. همیشه کشیدن چهره‌ی آدم‌ها برایم لذتبخش‌تر از کشیدن منظره و گل و اشیا بود و شاید به همین خاطر بود که سیاه‌قلم را به طور حرفه‌ای تری دنبال کردم.

**آنطور که شنیده‌ایم از ۱۶ سالگی کار تدریس را شروع کرده‌اید؟**  
از ۱۶ سالگی اولین کلاسم را در استهبان شروع کردم و به تدریس سیاه‌قلم و مدادرنگی پرداختم. استقبال از کلاس‌ها فوق‌العاده بود، به طوری که من از ساعت ۷ صبح تا ۱۱ شب کلاس داشتم. مدتی هم در آباده‌شک کلاس داشتم و الان حدود یک سال و چند ماه است که در نی‌ریز فعالیت دارم. البته کار آموزش را به صورت مجازی هم انجام می‌دهم که شاگردان زیادی در این زمینه و از شهرهای مختلف با من کار می‌کنند.

نی‌تاک ۴۲  
داستان شنیدنی نی‌ریز  
از زبان زنده یاد فضل... اشتیاقی

اولین شماره نی‌تاک در سال ۱۴۰۳ منتشر شد. پرونده ماه به خاطرات زنده یاد فضل... اشتیاقی می‌پردازد، کسی که ناگفته‌هایی از نی‌ریز قدیم بازگویی کند.  
در مقدمه آمده است: ۱۰ سال از آن زمان می‌گذرد. هنوز هفته‌نامه عصر نی‌ریز منتشر می‌شد که گاه و بیگاه در تحریریه نوشته‌هایی بیشتر شعر از یک همشهری ناشناخته به دستمان می‌رسید که نام «فضل اله اشتیاقی» را بر خود داشت. اشعار آنچنان قوی نبود که قابلیت انتشار بیابد اما ویژگی‌هایی داشت که عجیب می‌نمود. اول حجم بالای آنها بود که گاه به ۵۰-۶۰ صفحه ۸۴ با طلق و شیرازه می‌رسید. دوم دستخط آن بود. اشعار را با درشت‌نوی خوشنویسی می‌نوشت، و در آخر محتوای اشعار که بیشتر نصیحت و پند و دنیاگریزی و درس‌آموزی از گذر زندگی بود. اما وزن و ردیف و قافیه و فنون شعری آن آنچنان قوی نبود که بخواهد در ردیف انتشار قرار گیرد و...  
در این شماره مطالب دیگری نیز به چاپ رسیده است از جمله:  
ریاض در میدان سیاست خارجی از چه راهبردی پیروی می‌کند؟  
عصر تازه دیپلماسی در عربستان  
آرامستان‌های ایرانیان در داغستان روسیه  
ماجرای زیاده‌گویی ۲ میلیارد تومان را به صاحبش برگرداند  
دانستنی‌هایی درباره ماه‌های میلادی  
تقلای طبقه متوسط: هشدار برای نظام حکمرانی  
آیا پای شما هم روی مین است؟!  
زمانی که با یک بیخچال ارج می‌شد مقام عالی‌رتبه شوروی را خرید!  
به بهانه نخستین سالگرد کیومرث پوراحمد  
«قصه‌های مجید» و غصه‌های ما  
نوشتنی است قطع ما هنامه از این شماره از ۸۵ به ۸۴ تغییر یافت.  
نی‌تاک را می‌توانید از مراکز منتخب توزیع هفته‌نامه نی‌ریزان فارس در نی‌ریز و شیراز تهیه کنید. جهت اشتراک نی‌تاک، با شماره‌های ۰۹۱۷۸۰۰۱۸۰۸ یا ۰۹۱۷۳۱۵۱۴۶ تماس حاصل فرمایید یا در سایت «neytaak.ir» مطالب



**هفتمین سال عروج جلیل ناصری و بانو فاطمه داوری**

اشتیاقی که دیدار تو دارد دل من  
دل من داند و من دانم و دل داند و من  
خاک من گل شود و گل شگفت از گل من  
تا بد مهر تو بیرون نرود از دل من

دل می‌کند بویات، ای ماه آسمانی  
با من بگو گنجایی؟ یادت، نخریایا...  
بستم بر یاد رویت، دل غرق آرزویت  
قلب مرا صفایی، یادت، نخریایا...

هفت سال از غروب عزیزانمان گذشت و روزهای دلتنگی‌مان را به یاد خوبی‌ها و مهربانی‌هایشان سپری می‌کنیم... سی‌ام فروردین ماه سالگرد غروب دو خورشید زندگیمان به سوگ می‌نشینیم و یادشان را با نثار فاتحه‌ای به روح پاکشان گرامی می‌داریم.

**خانواده**

**خانواده‌های محترم داوودی و آهنگر**  
در گذشت بانوی گرامی  
**صدیقه داوودی**

را به شما بزرگواران به ویژه فرزندان عزیز و سایر منسوبان گرامی تسلیت عرض می‌نمایم. خداوند روح پرفتوح این مادر مهربان و متدین را با اولیایا... صلحا و صدیقین محشور و به همه بازماندگان ارجمند صبر و شکیبایی عنایت فرماید.

علی اکبر هفتابی

**خانواده‌های محترم سقائی و امینی**  
در گذشت زنده یاد  
**زین العابدین (استاد میرزا) سقائی**

را به شما بزرگواران به ویژه فرزندان عزیز و سایر منسوبان محترم تسلیت عرض می‌نمایم. خداوند روح برفروغ این پدر مهربان و تلاشگر و همسر بی‌رحمتی ریاچه‌ای را غریق رحمت واسعه و همنشین با اولیایا... صلحا و صدیقین فرماید و به همه بازماندگان ارجمند صبر و بردباری عنایت فرماید.

علی اکبر هفتابی